

جواد امام درباره طرح مقابله با نفوذ:

مقابله با نفوذ باید هدف فمند باشد

یک فعال سیاسی اصلاح طلب درباره ارزیابی روند بررسی طرح مقابله با نفوذ، اظهار داشت: اصل مقابله با نفوذ و برخورد با عوامل وابسته به سرویس‌های بیگانه، موضوعی نیست که کسی با آن مخالفت داشته باشد. مسئله، نحوه قانون‌گذاری، دامنه شمول، ضمانت‌های اجرایی و آثار و تبعات این طرح است. خیرآنلاین نوشت: جواد امام گفت: دولت صراحتاً اعلام کرده که با اصل مقابله با نفوذ مخالف نیست، بلکه نسبت به کلیت متن موجود و ابعاد حقوقی، اجرایی، اجتماعی، علمی و بین‌المللی آن ایرادات جدی دارد. آقای مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس‌جمهور، نیز صراحتاً اعلام کرده که موضع دولت، مخالفت با کلیت این طرح است و نسبت به برخی ابعاد آن و آثارش بر حقوق شهروندان هشدار داده است. وی افزود: با این حال، مجلس مسیر بررسی طرح را ادامه داده است. در جلسه ۲۹ شهریور، مواد ۹ و ۱۰ تصویب شد؛ ماده ۱۱ مراعات‌ماند و مواد ۱۲ تا ۱۶ نیز به دلیل ابهامات و با توجه به ایرادات مطرح‌شده، از جمله نامه قوه قضاییه، به کمیسیون‌های مربوط ارجاع شد. حتی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز درباره این مواد توضیح داده که هدف ماده ۱۲ شفاف‌سازی است و نیاید فعالیت‌های روزمره شهروندان را مختل کند. او ادامه داد: بنابراین پرسش جدی این است که وقتی دولت به عنوان قوه مجریه، که قرار است بخش مهمی از این قانون را اجرا کند، نسبت به آثار و نحوه اجرای آن هشدار می‌دهد، چرا این دیدگاه نباید در فرآیند قانون‌گذاری با دقت و جدیت مورد توجه قرار گیرد؟ سخنگوی جبهه اصلاحات در این خصوص که آیا مجلس می‌تواند با وجود مخالفت دولت، کار خودش را ادامه دهد اظهار کرد: از نظر حقوقی، بله. مجلس در چارچوب قانون اساسی اختیار قانون‌گذاری دارد و مخالفت دولت، به خودی خود مانع تصویب یک طرح نیست. اما موضوع فقط «اختیار قانونی» نیست؛ موضوع حکمرانی مسئولانه، هماهنگی قوا و مسئولیت‌پذیری نسبت به تبعات قانون‌گذاری است. وی ادامه داد: ما تجربه قوانینی را داشته‌ایم که به دلیل نگرانی درباره قابلیت اجرا و آثارشان، در عمل با موانع جدی مواجه شده‌اند. در موضوع قانون حجاب و عفاف نیز در نهایت، با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره شرایط اجرای قانون، ابلاغ و اجرای آن متوقف شد. در موضوع قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌هایز منتقدان معتقدند برخی الزامات این قانون بر روند مذاکرات هسته‌ای و امکان احیای برجام اثرگذار بوده است. بنابراین قانون‌گذار باید هنگام تصویب هر قانون، فقط به امکان تصویب آن در صحن توجه نکند؛ بلکه قابلیت اجرا و هزینه‌های اجرای آن برای کشور را نیز بسنجد. امام عنوان کرد: به‌خصوص در حوزه کیفری، موضوع حساس‌تر است. قوانین کیفری باید روشن، دقیق و قابل پیش‌بینی باشند و عناوین مجرمانه را نمی‌توان به‌صورت موسع و کش‌دار تعریف کرد. اصل بر این است که جرم و مجازات باید صریح و مشخص باشند و نمی‌توان با عبارات کلی، دامنه مسئولیت کیفری را آن قدر توسعه داد که رفتارهای مشروع و عادی شهروندان، دانشگاهیان، پژوهشگران، رسانه‌ها یا سازمان‌ها نیز در معرض تفسیرهای مختلف قرار گیرد.

امنیت ملی

دبیرکل حزب مجمع اپنارگران اصلاح طلب ابراز کرد: از سوی دیگر، قانون‌گذار نمی‌تواند نسبت به تبعات احتمالی عدم اجرای قانون بی‌تفاوت باشد. اگر قانونی به‌گونه‌ای نوشته شود که دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و فعالان اقتصادی و اجتماعی برای پرهیز از مسئولیت احتمالی، از هرگونه ارتباط مشروع بین‌المللی خودداری کنند، نتیجه می‌تواند خودتخریبی، از دست رفتن فرصت‌های علمی و فناوریانه و محدود شدن ظرفیت‌های کشور باشد. وی گفت: مسئله مهم‌ترین است که مجلس، علاوه بر قانون‌گذاری، وظیفه نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها را نیز بر عهده دارد. اگر در سال‌های اخیر مواردی از خنه‌های اطلاعاتی، نفوذ و خسارت‌های ناشی از آن اتفاق افتاده است، انتظار این است که مجلس درباره عملکرد دستگاه‌های مسئول تحقیق و تفحص و نظارت مؤثر داشته باشد و مسئولیت‌ها را دقیقاً متوجه همان بخش‌هایی کند که وظیفه پیشگیری و مقابله با نفوذ را بر عهده داشته‌اند. وی تصریح کرد: نباید این تصور ایجاد شود که به جای شناسایی دقیق منشا رخنه‌ها و بررسی قصور یا ترک فعل احتمالی دستگاه‌های مسئول، قرار است با وضع یک قانون بسیار گسترده، هزینه‌ضعف با ناکارآمدی احتمالی در حوزه مقابله با نفوذ را به دوش همه اشخاص سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور منتقل کنیم. جواد امام تأکید کرد: مقابله با نفوذ باید هدف‌مند باشد؛ نه اینکه به قیمت محدود کردن جامعه تمام شود. وقتی قانونی تصویب می‌شود که بخش مهمی از اجرای آن بر عهده دولت و دستگاه‌های اجرایی است، منطقی و ضروری است که ایرادات تخصصی، حقوقی و اجرایی دولت شنیده و بررسی شود.

یکشنبه

۰۵ • ۰۷ • ۱۴۰۵

۱۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸ / ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۶

آرمان ملی- حمید شجاعی : پس از اظهارات غرورآفرین و عزتمندانه رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل و حمایت‌های همه‌جانبه داخلی و خارجی از مسعود پزشکیان به نظر می‌رسید که این حمایت‌ها ادامه داشته باشد و جریان منتقد یا مخالف دولت در شرایط حساس کنونی که دشمن به دنبال ایجاد اختلاف در میان جامعه و حاکمیت است از اتخاذ مواضع تخریبی علیه مسئولان خودداری کند. اما نه تنها این اقدام صورت نگرفت بلکه تندروها به تنظیمات کارخانه بازگشتند و رویکرد تخریبی علیه مسئولان مختلف از سر گرفته شد. گویا حمایت از رئیس‌جمهور مقطعی و صرفاً برای همان صحبت‌های مجمع عمومی بود و اساساً تندروها و حامیان‌شان برای پزشکیان در جایگاه رئیس‌جمهور و اتخاذ مواضع مختلف از سوی وی اعتباری قائل نیستند که به وی بابت مواضعش حمله می‌کنند. البته روند تخریبی جریان خاص تندرو سایر مسئولان از جمله رئیس دستگاه قضا و رئیس مجلس را نیز شامل می‌شود و مسئولان سابق از جمله سیدمحمد خاتمی و حسن روحانی روسای جمهور سابق و محمد جواد ظریف، وزیر خارجه سابق نیز پای ثابت تخریب تندروها هستند. چنانکه نگاهی به مواضع یکی دو هفته اخیر تندروها نشان از حمله، تخریب و هتاکي به حسن روحانی دارد. تخریب‌هایی که بابت برداشت اشتباه از صحبت‌های روحانی صورت گرفت. جایی که روحانی گفته بود: «این خیلی مهم است که اول چارچوب اهداف ملی برای خودمان روشن باشد و بعد هم عرضه کنیم به مردم». اما برداشت مخالفین و تندروها این بود که روحانی گفته برای دفاع از کشور رفتارندوم انجام دهیم و بر این مبنای هتاکي و تخریب رئیس‌جمهور پیش پرداختند و حتی جمعی خودسرانه جلوی منزل حسن روحانی تجمع کردند و علیه وی سیدمحمد خاتمی و محمد جواد ظریف شعار سر دادند. حال اینکه خود حسن روحانی در نشست‌ی به برداشت اشتباه تندروها اشاره کرده و گفته است: «بحتم درباره لزوم برخورداری «اهداف ملی» از پشتوانه مردم بود، نه برگزاری همه‌پرسی درباره دفاع در برابر تجاوز. اصلاً من نه کلمه فرانادوم و نه کلمه همه‌پرسی را گفتم.

«آرمان ملی» حملات جریان خاص به مسئولان را بررسی می‌کند

از هشدار تا عزل و استیضاح

◀ **حسن روحانی: بحث من، لزوم برخورداری «اهداف ملی» از پشتوانه مردم بود**



ایران آغازگر جنگ نبوده و وقتی به ما تجاوز بشود ما باید دفاع کنیم. این جزو بدیهیات اولیه است. مسئله مورد نظر من این بود که اهداف بلندمدت ملی برای آنکه به قدرت، ثروت، صلح، وحدت ملی و جایگاه بالاتر ایران و حسن روحانی روسای جمهور سابق و محمد جواد ظریف، وزیر خارجه سابق نیز پای ثابت تخریب تندروها به طور کلی نگاه‌ی به مواضع یکی دو هفته اخیر تندروها نشان از حمله، تخریب و هتاکي به حسن روحانی دارد. تخریب‌هایی که بابت برداشت اشتباه از صحبت‌های روحانی صورت گرفت. جایی که روحانی گفته بود: «این خیلی مهم است که اول چارچوب اهداف ملی برای خودمان روشن باشد و بعد هم عرضه کنیم به مردم». اما برداشت مخالفین و تندروها این بود که روحانی گفته برای دفاع از کشور رفتارندوم انجام دهیم و بر این مبنای هتاکي و تخریب رئیس‌جمهور پیش پرداختند و حتی جمعی خودسرانه جلوی منزل حسن روحانی تجمع کردند و علیه وی سیدمحمد خاتمی و محمد جواد ظریف شعار سر دادند. حال اینکه خود حسن روحانی در نشست‌ی به برداشت اشتباه تندروها اشاره کرده و گفته است: «بحتم درباره لزوم برخورداری «اهداف ملی» از پشتوانه مردم بود، نه برگزاری همه‌پرسی درباره دفاع در برابر تجاوز. اصلاً من نه کلمه فرانادوم و نه کلمه همه‌پرسی را گفتم.

از هشدار تا تخریب

کشور در شرایط حساسی قرار دارد که در این شرایط با توجه به تحریم‌های ظالمانه، فشار اقتصادی و همچنین محاصره دریایی و هوایی ضرورت اینکه با اقداماتی از این وضعیت خارج شویم اجتناب ناپذیر است. در همین راستا رئیس‌جمهور پس از سخنرانی مقتدرانه‌ای که داشت و در آن به ایستادگی و مقاومت ایران در برابر زورگویی‌ها و همزمان آمادگی بر مذاکره تأکید کرد در دیدار با سران سایر کشورها و همچنین گفت‌وگو با رسانه‌های مختلف نیز بر این امر تأکید کرد که ایران به دنبال رسیدن به توافق با طرف آمریکایی بر مبنای شروط از پیش تعیین شده

سابق و اخراجی اداره زنان و خانواده ستاد امر به معروف تهران و طراح کلینیک ترک بی‌حجابی در مطلبی با تهدید سران قوا در ایکس نوشته است: آقای اژهای امروز آنچه شرط بلاغ است با شما عرض شد خواه پند بگیرید خواه ملال؛ منتظر محاکمه ظریف روحانی یا استعفاي شما از جایگاهی که توان یا امکان انجام وظایفش را ندارید هستیم آخرین فرصتی را که اماممان به شما دادند. انشاء... هر شب پس از برنامه وزارت خارجه ساعت ۲۲ مقابل خانه ملت حضور خواهیم داشت. شعار ما عیان است عزل پزشکیان است. آقای قالیباف مدرسه‌ها باز شده مجلس چرانعلیه؟

برداشت اشتباه

آنچه مسلم است باید مشخص شود که جریان خاص تندرو امروز در کجای ماجرا ایستاده است و چه حقی دارد که مسئولان را تهدید کند یا هشدار دهد؟ مقصر برداشت اشتباه تندروها از صحبت‌های پزشکیان که دولت یا سایر مقامات نیستند. اینکه پزشکیان اورانیوم ۶۰ درصدی را در قالب دستاوردی راهبردی در جهت امتیازگیری و اعمال فشار به طرف مقابل مطرح می‌کند خود ابتکاری سنجیده و درست است و از حال اینکه وزیر خارجه وقتی در نیویورک با واسطه قطری پیغام ایران را به ویتکاف رساند در داخل تندروها باز هم پیش از نهادهای بالادستی حکم خود را صادر کردند و به تخریب عراقچی روی آوردند. چنانکه امیرحسین ثابتی در نامه‌ای به قالیباف خواهان استیضاح وزیر خارجه برای دیدار بدون هماهنگی ارکان نظام با ویتکاف شد. جالب اینکه وی اگر تنها به رسانه‌های خودی مثل کیهان و راه دیالمه اکتفا نمی‌کرد می‌دید که دبیر شعام در تلویزیون به ماموریت عراقچی و هیات دیپلماتیک ایران در نیویورک اشاره کرد. لذا اگر تندروها برنامه خاص خود را در جهت تخریب دولت و دستگاه سیاست خارجی و همچنین فشار به سران قوا در جهت پرداختن به منویات آنها از قبل تدوین نموده‌اند و امروز با استفاده از رسانه‌هایی که در اختیار دارند مثل صداوسیمما جامعه را به سمت اختلاف و دوقطبی هدایت می‌کنند، خود را به کرسی بنشانند.

«آرمان ملی» بکارگیری بی‌رویه واژه مردم را بررسی می‌کند

مردمی که با ما نیستند، چه کسانی‌اند؟

ادعایی را مطرح کرد؟ پرسش‌هایی از این دست به معنای نفی اظهار نظر نیست. هر دیدگاهی می‌تواند راهی مسالمت‌آمیز برای ابراز پیدا کند. مسئله، استفاده سیاسی از مفهوم مردم برای تبدیل دیدگاه خود به ابزار فشار و سپس تبدیل فشار به امر بدیهی و مشروع است. در سیاست، حتی اکثریت نیز نمی‌تواند همه جامعه را از حقوق محروم کند. اکثریت بودن، اگر واقعاً اثبات شده باشد، به معنای مالک شدن بر جامعه نیست. اقلیت سیاسی نیز بخشی از مردم است. مخالف دولت نیز مردم است. موافق دولت نیز مردم است. کسی که در انتخابات رأی داده و کسی که رأی نداده این‌ها هر دو بخشی از جامعه است.

درسی از رهبر شهید

می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین نشانه‌های بلوغ سیاسی این است که پدیدبریم مردمی که با ما نیستند نیز مردم‌اند. اگر این درک از واژه مردم گسترش یابد، یعنی اگر همه فعالان سیاسی توجه کنند که نمی‌توان واژه مردم را به پرچم تبدیل کرد و بالای سر برد، هر دیدگاه سیاسی که داشته باشند، جذایت بیشتری برای جذب همان مردم خواهد داشت. اما اگر بگویید من مردم هستم و هرکس با من نیست، بیرون از مردم است، دیگر داستان خیلی عجیب و این شاید خطرناک‌ترین شکل مصادره مفهوم مردم خواهد بود. جامعه برای اداره اختلافات خود به سازوکارهای مختلفی نیاز دارد: انتخابات، قانون، رسانه، احزاب، گفت‌وگو، نهادهای مدنی و البته ابراز نظر. اما هیچ‌کدام نباید به این نتیجه منتهی شود که یک جریان سیاسی بتواند خواست خود را صرفاً با افزودن کلمه «مردم» به آن، به حکم نهایی جامعه تبدیل کند. شاید لازم باشد همه کسانی که بی‌حساب از واژه مردم استفاده می‌کنند از خود پرسند اگر مردم با من هستند، آن مردمی که با من نیستند چه کسانی‌اند؟ رهبر شهید در یکی از سخنرانی‌های عمومی خود تأکید کردند که «در نظام اسلامی، مردم تعیین‌کننده‌اند» و حتی تأکید کردند که «مردم، محوزند»، سپس «همه طبقات مردم» را مورد نظر قرار می‌دهند، نه صرفاً گروهی خاص را و از مسئولان می‌خواهند برای دنیای مردم، عدالت، شان انسانی و آزادی آنان کار کنند. شاید این مهم‌ترین درسی باشد که اهالی سیاست باید به درستی بیاموزند.

سیاست

گزارش

شی و ترامپ چه معامله‌ای کردند؟

از تشریفات ناستاورد

از بسیاری جهات، نشست ترامپ و شی بیش از آنکه به خاطر مواردی که در آن اعلام شد قابل توجه باشد، به دلیل مسائلی که به نظر می‌رسید دو طرف از تشریح آنها اجتناب کردند، اهمیت داشت. اکوایران نوشت، سران آمریکا و چین در حالی به تشریفات و نمایش‌های دیپلماتیک پرداختند که بحران‌ها در حال تشدیدند و فرصت پرداختن به جدی‌ترین تهدیدهای جهان را از دست دادند.

تشریفات سنگین

فهرست بحران‌ها و تهدیدهای فوری جهان طولانی است. جنگ‌ها در ایران، سودان، اوکراین و مناطق دیگر جان انسان‌ها را می‌گیرند و بازارهای انرژی و مواد غذایی را دچار آشفتگی می‌کنند. هر هفته گزارش‌های تازه‌ای منتشر می‌شود عوامل هوش مصنوعی که از کنترل مریان انسانی خود خارج می‌شوند و به‌صورت گروهی و خارج از کنترل در شبکه‌های دیجیتال حرکت می‌کنند. در ستاد‌های نظامی دو کشور نیز مأموریت اصلی فرماندهان آمریکایی و چینی، آماده شدن برای جنگ با یکدیگر و پیروز شدن در آن است؛ جنگی که محتمل‌ترین محور آن تایوان است، جزیره‌ای دموکراتیک که چین آن را متعلق به خود می‌داند. در چنین شرایطی، دو مرد قدرتمند جهان می‌توانستند با یکدیگر گفت‌وگو کنند. آنها می‌توانستند بررسی کنند که آیا کشور‌هایشان محکوم‌اند در همه عرصه‌ها با یکدیگر رقابت کنند، یا اینکه برخی خط‌ها انقدر جدی هستند که آمریکا و چین وظیفه دارند با یکدیگر همکاری کرده و مشترکاً با آنها مقابله کنند. با توجه به نفوذ و سلطه غیرمعمولی که هر دو رهبر بر نظام سیاسی کشور خود دارند، ترامپ و شی می‌توانستند درباره چند هدف مشخص و مهم برای نجات جهان به توافق برسند و از دستیاران خود بخواهند آنها را عملی کنند؛ اما دو رهبر در عوض منافع شخصی خود را در اولویت قرار دادند.

انتظار آمریکا

«دستاوردهای ملموس» یا به اصطلاح زشت و اداری رایج در اجلاس‌های دیپلماتیک که طرف آمریکایی علناً دنبال آنها بود، دامنه نسبتاً محدودی داشت. مهم‌ترین آنها این بود که ترامپ و تیمش می‌خواستند چین موافقت کند صادرات عناصر کمیاب و دیگر مواد معدنی کمیاب و دوا را یاب مورد نیاز شرکت‌های آمریکایی را افزایش دهد. آنها همچنین می‌خواستند چین خرید محصولات کشاورزی از کشاورزان آمریکایی را افزایش دهد، و به‌ویژه در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای؛ و در نهایت، واشنگتن می‌خواست چین ارسال تجهیزات و کمک به نیروهای مسلح ایران را متوقف کند و از آهرم نفوذ خود، به‌عنوان بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران، استفاده کند تا ایران را به تلاش برای دستیابی به صلح وادار کند. از آنجا که مذاکره‌کنندگان ترامپ معتقدند چین به تعهدات قبلی خود پایبند نبوده است، آتش بس تجاری‌ای که آمریکا و چین سال گذشته در کره جنوبی بر سر آن توافق کرده بودند، تنها برای دو ماه دیگر تمدید شد؛ نه دو سالی که بنا بر گزارش‌ها چین خواهان آن بود.

انتظار چین

در طرف چین نیز اهداف شی بیش از آنچه لحن بلندپروازانه او درباره صلح و «پیشرفت بشریت» ممکن است نشان دهد، در خدمت منافع خود چین بود. برای شی، اینکه ترامپ با او به‌عنوان یک همتای برابر رفتار کند، یک ضرورت بود؛ نه صرفاً به دلیل غرور شخصی، انتظار می‌رود شی سال آینده در کنگره حزب برای چهارمین دوره رهبری خود تلاش کند. اگرچه او علماً نگرانی چندانی از مخالفت با این طرح ندارد، تا حدی به این دلیل که تمام مخالفان احتمالی با کسازای شده‌اند، اما امید به شدن او در جایگاه این رهبر با اعتبار جهانی بیشتر می‌تواند به موقعیتی کمک کند. در مورد منافع ملی چین، هدف اعلام‌شده شی این بود که ترامپ و آمریکا را به نوعی همزیستی مسالمت‌آمیز متعهد کند که مقام‌های چینی آن را «روایت سازنده چین و آمریکا با ثبات راهبردی» می‌نامند. این عبارت پیچیده در واقع هدفی ساده را توصیف می‌کند. چین امیدوار است چارچوبی برای پیروان رقابت دوجانبه با آمریکا ایجاد کند؛ چارچوبی متشکل از خطوط قرمزى که نباید از آنها عبور کرد. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین این خطوط قرمز به تایوان مربوط می‌شوند. چین مدتی است تلاش می‌کند ترامپ را متقاعد کند که بگوید با تلاش تایوان برای کسب استقلال رسمی مخالف است. این امر تغییرى در موضع کنونی آمریکا محسوب می‌شد؛ موضوعی که می‌گوید واشنگتن از استقلال تایوان حمایت نمی‌کند. اگرچه این تفاوت در نگاه اول ممکن است ظریف و پیچیده به نظر برسد، چنین اظهارنظری از سوی رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند در تایوان نگرانی ایجاد کند؛ زیرا ممکن است به این معنا تلقی شود که آمریکا در صورت وقوع جنگی که دولت تایوان با رد قطعی حاکمیت پکن آغاز کرده باشد، از این جزیره حمایت نخواهد کرد. در نشست واشنگتن نیز چین را دیگران درخواست را مطرح کرد. گزارش رسمی چین از مذاکرات اعلام کرد که مخالفت با تایوان مستقل، پایه و اساس روابط ثبات‌یاب میان دو کشور است؛ اما هنگامی که شی واشنگتن را ترک کرد، هیچ نشانه‌ای وجود نداشت که ترامپ در این زمینه امتیازی به چین داده باشد.

نسخه چینی «ماگا»

سی‌ان‌ان نوشت: چهار ماه پس از آخرین دیدار ترامپ و شی، دو رهبر آتش بس تجاری را تمدید کردند، به یکدیگر هدیه دادند و از هم ستایش کردند و احتمال همکاری برای مهار خطرات ناشی از توسعه هوش مصنوعی را نیز مطرح کردند. برای نخستنی که قرار بود به تنش‌های فراینده میان بزرگ‌ترین قدرت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی جهان بپردازد، سفر شی به واشنگتن نسبتاً بدون حادثه و آرام بود؛ اما برای اهدافی که او توسعه می‌دهد، چین به چیز بیشتری نیاز نداشت. شی شعار اصلی ترامپ، «آمریکا را دوباره بزرگ کنیم» (MAGA)، را به طرح خود برای «احیای بزرگ ملت چین» تشبیه کرد؛ چشم‌اندازی راهبردی و چنددهه‌ای که هدف آن تبدیل چین به یک قدرت جهانی با توانمندی‌های نظامی، صنعتی و فناوری در سطح جهانی است.